

تقویم

تاریخ

۲۸ آذر ۱۳۶۸ | سالروز درگذشت شاعر معاصر، عباس یمینی شریف

استادیمینی فعالیت‌های درخشانی در زمینه ادبیات کودک ایران داشت؛در سال ۱۳۴۱ به تأسیس مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی «شورای کتاب کودک»همت گماشت ودر سال ۱۳۵۰ به همت وی، جایزه نقدی یمینی شریف برای بهترین اثر حوزه ادبیات کودک ان، ایجاد شد.

یک روایت، یک درس

استقبال از خیر



همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

۱۵ دقیقه
زمان لازم برای مطالعه این صفحه

سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

آب و هوا

امروز



مشهد
۱۲- ۸+



تایباد
۱۲- ۱۰+



ترت جام
۲۲- ۹+



ترت حیدریه
۱۲- ۸+



درگز
۱۲- ۱۱+



سبزوار
۱۲- ۸+



فوجان
۲۲- ۵+



نیشابور
۱۲- ۷+



کاشمر
۱۲- ۸+



گناباد
۷- ۰+

تفسیر نور

در آیه ۴۶ سوره عنکبوت می خوانیم:

وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِلُغَةِ الْحُسْنِ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِينَ أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَهُكُمُ وَاللَّهُنَّ وَآلَهُكُمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و با اهل کتاب جز با بهترین شیوه مجادله نکنید، مگر ستمگران آنان و (به آنان) بگویید: ما به آن چه (از سوی خدا) بر ما و شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم.

استاد قرآنی در تفسیر این آیه می گوید:

● گفت وگو با غیر مسلمان نیز باید با بهترین شیوه باشد.

● جدالی مور پذیرش است که محتوای آن و شیوه و الفاظش احسن باشد.

● بیدال نظر و گفت وگویی صحیح میان مکتب‌ها، فرهنگ‌ها و امت‌ها مور دقبول اسلام است.

● مخاطبان خود را بشناسیم و با هر دسته به نوعی مناسب برخورد کنیم. زیر برای ستمگران، منطق، گفت وگو و نور مش کار ساز نیست.

● همه مخالفان اسلام، ستمگر نیستند.

● در گفت‌وگوها، قیل از اظهار عقیده و نظر، آن چه را که مورد اتفاق است مطرح کنیم.

حکمت روز

اهمیت اختلاف عقاید

● قرآن روی مسئله اختلاف تکیه می کند که اختلاف باید وجود داشته باشد. اگر اختلاف نباشد، تضاد نیست. بر خور نیست، اصطکاک نیست، زد و خورد عقاید نیست و تاز دو خورد عقاید نباشد، عقاید پیشرفت نمی کند و سالم نمی ماند. من این را به طور قاطع عرض می کنم هر زمانی که «قطب مخالف» از عقیده حق گرفته شود، خود عقیده حق طبعاً به سوی فساد می گراید.

شهید مطهری / جهاد اسلامی و آزادی عقیده

حکایت

● پادشاهی به حکیمی گفت: «ما به چهار سخن پندیده.» حکیم گفت: «اول آن که وعده ای نده که به وفایش مطمئن نیستی. دوم بالا رفتن آسانی که فرود آمدنی دشوار در پی دارد، تو را نغزید. سوم هر کرداری را که پاداش در پی است، از عاقبت آن بپرهیز. چهارم آن که هر کاری دشواری های پنهانی دارد؛ برای آن ها آماده باش.»

● زاهدی نزد پادشاهی آمد. پادشاه به او گفت: «مراپندی ده!» گفت: «آیا پیش از تو، پدر و عمویت در این مجلس ننشستند؟» گفت: «بلی!» گفت: «آیا از آن ها کار هایی سر نز د که بر ایشان امید ر سنگاری بود و کار هایی سر نز د که بیم هلاک بر آن ها می رفت؟» گفت: «بله.» گفت: «بنگر در آن چه امید سنگاری است، آن را بگیر و هر آن چه را در آن بیم هلاک است، رها کن.»

کشمکول

● آورده اند که جمعی بر ضد حجاج بن یوسف ثقفی شورش کردند که از جمله آن ها زنی بود. او را دستگیر کردند و نزد حجاج آوردند. حجاج با او سخن گفت و او را سرزنش کرد. زن همچنان سرش را پایین انداخته بودو به زمین نگاه می کرد. نه جواب حجاج را می دادو نه به او نگاه می کرد. یکی از حاضران گفت: «امیر باتو سخن می گویدو تو از او روی بر تافته ای؟» گفت: «من از خدای تعالی شرم دارم که به کسی نظر کنم که خدای تعالی به او نظر نمی کند.» حجاج گفت: «از کجا می گویی که خدا به من نظر نمی کند؟» زن گفت: «از آن جا که اگر به تو نظر می کرد، چنین دست بورا و دستم به مردم بازمی گذاشت.» حجاج گفت: «راست می گوید.» پس او را آزاد کرد.

لطایف الطوائف

دور دنیا

مامان مقوایی

رویترز یک زوج جوان ژاپنی برای آرام کردن فرزند یک ساله خود دست به ابتکار نبوغ آمیزی زدند که جواب هم داده. از آن جایی که پسر یک ساله آن ها هر بار که متوجه می شد مادرش در کنارش نیست ناآرامی می کردو به گریه می افتاد، آن ها با کمک عکس هایی از مادر کودک، فوکی ساتو که در اندازه طبیعی چاپ شده و روی مقوای کارتن چسبانده شده، کاری کردند تا پسرشان فکر کند مادرش همیشه در اتاق حضور دارد. این راهبرد جالب که توجه خیلی از زوج ها را در اینترنت جلب کرده، برای مادرهایی که بچه های ناآرامی دارند که ۲۴ ساعت روزو هفت روز هفته را باید در کنارشان باشند، می تواند راه حل با مزه و خوبی باشد.

زنگ تفریح

بازار درست کردن مجموعه های مینیاتوری این روزها خیلی داغ است و زیادی می بینیم هنرمندانی که تلاش می کنند با دقت و ظرافت، نمونه هایی کوچک و ظریف از چیز های واقعی را بسازند. کیومی، هنرمند ژاپنی هم یکی از این افراد است که با کمک متریال های مختلف از جمله کاغذ و سیم، نسخه های مینیاتوری از دکوراسیون داخلی قرن هجدهمی ساخته که دیدن شان خالی از لطف نیست. Designswan



علم به زبان ساده

چگونه وسایل آتش بازی پس از انفجار به رنگ های مختلف در می آیند؟

تقریباً تمام کشور های جهان در جشن ها و اعیاد از وسایل آتش بازی استفاده می کنند. این وسایل پس از اشتعال ، منفجر می شوند و آشناری از رنگ های مختلف به وجود می آورد. وسایل آتش بازی از مخلوط کردن نیترات پتاسیم، گوگرد و زغال سنگ تهیه می شوند. برای آن که وسایل آتش بازی را به رنگ های مختلف در آورند، به آن ها نمک های فلزاتی چون باریم، منیزیم، سدیم و استرانسیم می افزایند. برای این منظور این مواد را با کلرات پتاسیم مخلوط می کنند. نمک های

۲۰ دسامبر ۱۹۵۱ | تأسیس نخستین نیروگاه برق اتمی جهان

نخستین ژنراتور تولید برق با استفاده از نیروی اتم در ۳۰ کیلومتری شهر «آرکو» واقع در ایالت کوهستانی «ایداهو»ی آمریکا آغاز به کار کرد. نام این نیروگاه را «ای. بی. آر.» به معنای نخستین راکتور تجربی تولید نیروی برق گذار دند. این نیروگاه تا سال ۱۹۶۴ مشغول کار بود.

تازه مسلمانان عرب، در مسجد مدینه از مردم درخواست کمک کرد. سلمان فارسی برای رفع نیاز او برخاست و به هر جارت، دست خالی برگشت. در راه بازگشت به مسجد نگاهش به خانه حضرت زهر (علیها السلام) افتاد. به امید دریافت کمک از این خاندان سخاوتمند و بزرگواری، در خانه راز دو ماجرا را برای آن بانوی بزرگوار نقل کرد. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: ای سلمان! سوگند به خدایی که محمد(ص) را به حق به نبوت مبعوث کرد، سه روز است چیزی نخورده ایم و حسن و حسین از شدت گرسنگی و بی حالی به خواب رفته اند، ولی وقتی خیر به در خانه ام آمده باشد، آن را رانمی کنم. آن گاه پیراهنی را به سلمان داد تا نزد کسی گرو بگذارد و دو مقداری خرما و جو قرض کند و همان را به آن تازه مسلمان فقیر احسان کرد.

احقاق الحق

تغافل

حافظ

سرم تفت یخانه بدو لتوهای

بچو جم جرحه کاش که ز سرود جهان

گفت باز آبی که درین این دگاہی

پر تو جام جهان بین بدت آگاهی

خبرکات رمنی

پنجشنبه
۲۸ آذر ۱۳۹۸
۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۱
صفحه ۵ | شماره ۱ | ۴۳۰

بدون موضوع

ای سایه نشین هر درختی

بنشین به کنار خویش لختی

جوادبخشی امادر بزرگم، زن غریبی بود...

از آن زن هاو از آن آدم‌ها... که دیگر جز در میان

کتاب‌های سال‌های دور، پیدانمی شوند...

زن غریب مهربانی که در عین پیروی و ناتوانی،

سرشار از عزّت و مهابتی آن چنانی... بود...

هرهو خسته‌ای که پس از گذران راهی به

بلندای یک عمر، از خستگی ننالد...

و همواره سرشار از میل به زیستن بود...

باهوش بودو به هوش و نکته‌دان و خوش صحبت و شیرین کلام... و کلامش پر بوداز حکایت‌هاو کنایه‌هاو استعاره‌ها...

شوخ طبع بودو رندو نشاد...

چشمان آبی زیبایی داشت... و نگاه به غایت

نافذو عمیق و گریایی...

سکوتش، ایستن درهاو ازهای دیرین....

و خنده هاش، فقهه‌هایی شادو شیرین...

مهربانی اش، مهربانی بود...

امانه از جنس مهربانی‌های امروزی که به

نسیمی از دل‌هاز دوده شده...

مهربانی اش بی نهایت عمیق، پایدار... و زلال بود....

و به طرز غریبی قدر تمند بود... نیاز دیگران به

محبتش، به او قدرت و عزتی غریب داده بود...

و این معجزه محبت او بود...

هرگز از عزیزانش نبرید... حتی اگر از او

بریدند... و تنهاشان نگذاشت، گرچه گاهی

تنهایش گذاشتند...

بی نهایت کم توقع بود...

و چادرش همیشه، بوی نان و نماز و مهربانی می داد...

هرگز طلبکار نبود... چنان قدر دان

محبت‌های کوچکت می شد که هرگز

احساس نمی کردی که بدهکار محبت

اولی...

سر سوزن محبتی را بادیاد دنیا قدر شناسی

پاسخ می گفت...

و البته جز جذب و سر فراز و توانمند بود...

هشتاد و چند ساله بود... اما تا همین دوسه

ماه آخر تنها زندگی می کرد...

و من، وقتی در هجوم دردها و سختی‌های

دنیا، خسته و در مانده و افتاده می شدم...

بدون آن که کسی بداند به خانه اش و به امان

محبت بی پایانش پناه می بردم...

و او چنان تحویلم می گرفت و چنان قربان

صدقه‌ام می رفت که گویی تمام هستی اویم...

و آه وقتی از خانه اش می آمدم، جان تشنه

محبتم تا ساعت ها...! سیراب بود...

حالا چندان است که بی اویم...

و بی او... تنها تر از همیشه ام...

دل‌م برای خس خس سینه اش در وقت نماز،

برای توجه مادرانه اش به وقت نیاز...

برای آن سکوت‌های عمیق و پرمزور از...

تنگ شده است...

مادر بزرگ به رسم همه زنان قدیمی

خراسانی، دویشتی های تلخ و شیرینی هم

داشت... که وقتی دلش غم داشت یا وقتی

که خیلی دلش خوش بود، با صدای شیرینش

برایمان می خواند...

در یکی از آخرین شب‌ها، در بستر بیماری،

این دویشتی را با لهجه شیرین خراسانی اش

برایمان زمزمه کرد:

"شبی امشو که مهمون شمایم

به آب و نون و قلیون شمایم

عزیزون قدر یکدیگر بدوین

خداونه (داند) که فرداشو کجام"

ضرب المثل فارسی

● جنس ارزان را پولدارها می خرنند

چون جنس ارزان بی عیب و با دوام نیست، بنابراین باید مجد خردیاری یا پولی صرف تعمیرش شود. برای همین به کنایه می گویند: «جنس ارزان را پولدارها می خرنند.»

● چینی: آن چه که چشم نمی بیند، دل غصه اش را نمی خورد.

● عبری: اگر کسی سیر نخورد، دهانش هم بو نمی دهد.

ضرب المثل خارجی

● هندی: اندوه نخست مغز انسان را از بین می برد و بعد جسم را.

● آذربایجانی: آن قدر به ماه بی اعتنا باش تا زیر پایت بیفتد.

● روس: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● چینی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت

● آلمانی: هر چه در دلت بگذرد، در دهانت